

جواز جنگ علیه ایران

امیرفیض - حقوقدان

آقای علی میرفطروس که در سال گذشته هم در کیهان لندن در مقاله ای سعی کرده است که حمله نظامی آمریکا به ایران را توجیه کند اکنون نیز به ملاحظه تغییری که در استراتژی سیاسی آمریکا در جهت توسعه تسلط خود بر کشورهای جهان سوم در اثر عملیات نظامی ناتو در براندازی رژیم قذافی بوجود آمده بار دیگر موضوع حمله نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران در محافل خارجی را مورد توجه قرار داده است.

آقای میرفطروس در این توجه جهانی مشارکت کرده و دلایلی بروجوب حمله نظامی به ایران به خیال خودشان ارائه داده اند که البته و صد البته برای کسانی که بدنبال جامعیت و اجرای طرح حمله نظامی به ایران هستند این مقاله ایشان سندی بسیار ارزنده است. خاصه که اظهارات اخیر خاتم کلینتون در رابطه با کمک به بخشی از مخالفان جمهوری اسلامی بر پایه درخواست ایرانیان به اقدامات نظامی پیوند یافته است.

همچنین در اظهارات خاتم کلینتون این تصریح دیده میشود که **«ایرانیانی که خواهان کمک آمریکا هستند همانند مخالفین قذافی تقاضای حمایت و کمک کنند»** و بعد از این اظهارات خاتم کلینتون بود که عبدالحمید خدام یکی از رهبران متنفذ مخالفان بشار اسد رسماً همراه ۶۰ نفر سوری درخواست کمک از آمریکا برای سرنگونی اسد را کرد.

البته در سابق درخواست کمک از طرف **«وابستگان جنبش سبز»** از آمریکا شده است و آمریکا هم بر اساس سیاق و سیاست گذشته خود به بخشی از مخالفان جمهوری اسلامی که ایادی و عوامل آمریکا محسوب میشوند کمک های مفصل مشروعی کرده است ولی کمکهای !! که آمریکائیان به مخالفان لیبی کردند حجم و ماهیت اجرایی متفاوتی با کمک های آمریکا به جنبش سبز داشته و دارد، بنابراین انجام کمک ها نظیر لیبی که به براندازی جمهوری اسلامی منجر شود نیاز به درخواست های جدیدی دارد و مقاله اخیر آقای میرفطروس و انگیزه انتشار آن در راستای همین استراتژی جدید آمریکا در لیبی است.

برخلاف کسانی که به حمله نظامی آمریکا به ایران نظر موافق دارند مثلاً یکی از آنها در سایت پارس دیلی نیوز نوشته است **«مطمئن باشید که با حمله آمریکا فقط پاسداران و بسیجی ها کشته میشوند و حتی یک نفر غیر از آنها نه کشته میشود و نه صدمه ای میبیند»** ایشان یعنی آقای میرفطروس تلاش کرده است که با دلیل و ارقام نشان دهد که حمله نظامی خارجیان به ایران تلفات چندان چشمگیری ببار نخواهد آورد پس مصلحت است که ضرر بیشتر که بقای جمهوری اسلامی است بازماند کمتری که نتیجه حمله نظامی خارجی است مبادله کنیم.

ایشان برای این داستان بی محل خود به دومورد استناد کرده است:

اول حمله نظامی اسرائیل

در این باره نوشته است **«سران و رهبران اسرائیل در حمله به ایران (جواز حمله اسرائیل به ایران) باید بباد کورش بزرگ و نجات قوم یهود از اسارت بخت النصر عمل کنند نه بصورت صدام حسین، بنابراین هرگونه حمله نظامی به مراکز صنعتی و نفتی ایران باعث کینه و نفرت ملت ایران نسبت به اسرائیل خواهد شد»**

ملاحظه میفرمایید جواز و مشروعیت حمله اسرائیل به ایران را ایشان تانید و در دامن سران اسرائیل میگذارد ولی تقاضا میکند که در حمله به ایران یاد کورش بزرگ و قضیه بخت النصر هم باشد.

این قبیل شرط و شروطها و درخواستها در روابط مخاصمه آمیز بین کشورها اگر از وجه نادانی و جهالت شرط و درخواست کننده نباشد دلیل کاملی است که نویسنده برای مردم قائل به فهم و شعور درک نیست و در فکر فریب و تخطئه آنهاست.

اسرائیلی که از سران جمهوری اسلامی بارها شنیده است که از صفحه گیتی محو خواهد شد و همین اواخر هم شنید که جمهوری اسلامی با هزاران موشک اسرائیل را منهدم میکند چگونه میتوان این شرط فکاهی را با آن مطرح کرد که هنگام حمله به ایران یاد کورش و بخت النصر باشد **برخی از آدمها درسین بالا کم حافظه میشوند ولی کمتر حل میگردند.**

درثانی **این بایدی** راکه آقای میرفطروس بمثابه شرط بمیان کشیده است چه کسی باید این زنگوله را به گردن اسرائیل بیاندازد؟ آقای میرفطروس و یا جمهوری اسلامی و یا بنیامین نتانیاو که هم امروز رئیس جمهور فرانسه اورا دروغگو خطاب کرد.

درجنگ، هدف کشور نابودی هرچه کاملتر و تسلیم بلا شرط کشور مورد تهاجم در مدتی هر قدر کوتاهتر است کنوانسیون ژنو در باره مقررات جنگ و جنایات جنگی تلاشهای ناموق جامعه جهانی برای کنترل هدف کشورهای مهاجم است در چنین شرائطی انتظار رعایت داستان کوروش و بخت النصر برای دولت اسرائیل از آن فکاهیات است که فکر میکنم اگر آقای میرفطروس یکبار دیگر نوشته خودشان را بخوانند بیشتر از دیگران خواهند خندید.

آمریکا با حکومت صدام روابط بسیار خوبی داشت و حتی رامسفیلد بنمایندگی دولت آمریکا با صدام روابط خصوصی داشت ولی دیدید که در تهاجم به عراق باچه سبعتی به عراق حمله نظامی کرد - قذافی با آمریکا و کشورهای مهاجم به لیبی روابط مساعد و متقابل داشت در حدی که لیبی تاسیسات اتمی اش را با کشتی های آمریکائی به آمریکا فرستاد ولی دیدد که در حمله به لیبی آمریکا تا کجارت و حتی تیر خلاص را هم به مغز قذافی همین دوستان سابقش خالی کردند. این نامردی آمریکا و کشورهای عضو ناتو آنقدر عیان و زشت بود که پوتین نخست وزیر روسیه هم در نشست شانگهای آنرا مطرح ساخت - ایران در زمان شاهنشاه بزرگترین خدمت را به اسرائیل کرد ولی اسحاق رابین بطور کامل محرمانه برای دیدار خصوصی به ایران آمد و در کاخ هم اقامت یک شبه داشت و بعد هم از همان طریق و همراهی علم از ایران رفت در همین سفر رابین بود که شاهنشاه ایران به ویروس سرطان طحال مبتلا شد و سفیر اسرائیل در تهران هم در تظاهرات ضد سلطنتی شرکت کرد.

این اشارات برای این است که کسانی مانند آقای میرفطروس بفهمند که درجنگ بین دو کشور خیرات خرما و این قبیل تعارفات کوروش و بخت النصر و امثال آنها نیست.

توجیه حمله نظامی آمریکا

ایشان برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به حمله نظامی آمریکا به ایران تلفاتی که از بابت رانندگی به مردم ایران در طول حکومت جمهوری اسلامی وارد شده و صدماتی که بمناسبت آلودگی هوا تحمیل ایرانیان شده مستند قرار داده و با چاشنی کردن مکرر واژه استرونک Strong (این قبیل چاشنی ها برای ۱- گیج کردن خواننده و ۲- تظاهر به فضل و تسلیم خواننده، سابقه فراوان دارد) این نتیجه را باز گو کرده است.

«چنین ارقام هولناکی از تلفات انسانی و خسارات عظیم اقتصادی و زیست محیطی این سوال را باید در ذهن هر ایرانی میهن پرست بیدار کند که خسارات یک حمله نظامی هوشمند به منظور کوبیدن پایگاه ها و ستادهای سرکوب جمهوری اسلامی و در نتیجه برداشتن سقف ترس و تهدید و سپس خیزش مردم و سرنگونی رژیم اسلامی از تلفات رانندگی و آلودگی هوا کمتر است»

خوانندگان محترم این تحریر اگر فرصت تفکری را قبول فرمایند تقارن بین آنچه که ربلهای Rebeles لیبانی از آمریکا وانگلیس و فرانسه درخواست داشتند تاوطنشان به این روز افتاد که ۴۵۰ میلیارد دلار خسارت وارده به آن کشور همراه با ۵۰ هزار تلفات آنهم درکشور باجمعیت ۷ میلیونی مقدمه آن است، بادرخواست واستدلال آقای میرفطروس برای حمله نظامی آمریکا، نقش وانگیزه ایشان از این صحنه سازی ها روشن میگردد.

مشکل آقای میرفطروس دراینجاست که:

اولا میهن پرستان رامخاطب قرارداده واین دلیل است که ایشان چون خودشان درکی از میهن ندارند ایرانیان راهم مانند خودشان فرض کرده اند یعنی خالی از عرق ملی و شرافت میهنی - همین چند هفته ویاماه قبل بود که <گوبین دایر> روزنامه نگار معروف انگلیسی درروزنامه آلمانی <برلینراومشاور> نوشت: «درایران ۷۰ میلیون نفرزندگی میکنند که باوجود برخی انتقادهای همه وطن پرستان پرشوری هستند»

مشکل دوم ایشان این است که بین حقوق داخلی عمومی باحقوق سیاسی بین المللی قائل به تفاوت نیستند و به همین دلیل بی توجهی است که تلفات رانندگی ویا آلودگی هوارا با معیارهای جنگ مقایسه کرده ودر نهایت به این **مطلوب فاسد** خودشان رسیده آن که حمله آمریکا میتواند به این وضع خاتمه دهد.

این بی تفاوتی که عرض شد همانند آن است که در دعوانی که بین دوکشوردردادگاه بین المللی لاهه مطرح است نماینده یکی از آن دوکشوربه دعوی زناشونی خودش استناد کند ویا برعکس دریک دادگاه حقوقی درایران یکطرف دعوا به قرارداد بین المللی ژنو درباره اسیران جنگی استناد کند واین همان است که درعرف وعامیانه گفته میشود <... به شقیقه چکاردارد>

فکر میکنم آنچه در رابطه باتلفیق نادرست آقای میرفطروس بین تلفات ناشی از حقوق داخلی باجنگ عرض شد به توضیحی آماری نیاز باشد.

سخنگوی آمار وزارت دادگستری آمریکا درسال ۲۰۱۰ اعلام کرد که بیش از ۲،۲۰۰،۰۰۰ نفر در زندان های آمریکائی محبوس هستند همو اضافه کرد که تعداد زنان زندانی ظرف ۱۰ سال ۸ برابر شده ست به گزارش گروه حقوق بشر دانشکاه آیووا سالیانه ۶۸ میلیارد دلار هزینه زندانیان آمریکاست و همو اضافه کرده است که آمریکا بداشتن ۵ درصد از جمعیت جهان ۲۵ درصد کل زندانیان جهان رادر خود دارد.

روزنامه نیویورک تایمز که یک گزارش آماری دولت آمریکا رانقل کرده ۶ میلیون آمریکائی بادرآمدی ماهیانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ دلار آنهم با کوپن غذایی زندگی میکنند و همو اضافه کرده که تعداد کسانی که دراین کشور بیکارند و از هرگونه کمک محرومند طی دو سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته است.

براساس گزارش آماری پلیس فدرال آمریکا درسال ۲۰۰۹ بیش از ۸۸،۰۹۷ تجاوز جنسی در آمریکا روی داده و بنا بر عقیده <میشل دمپسی> استاد حقوق دانشگاه ویلا نووا تجاوز جنسی از جرائمی است که فقط ۲۰ درصد آن به پلیس گزارش میشود همو اضافه کرده است بر اثر تحقیقاتی که انجام شد از هر ۶ زن آمریکائی یک نفر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است ونیمی از آنان کمتر از ۱۸ سال دارند.

خانم سارا فلاندر در پایگاه اینترنتی گلوبال وریسرچ Global and Research نوشت <آمریکا با آنکه برزگترین استفاده کننده از محصولات نفتی وآلودگی هواست ولی خود را از تمامی توافقات جهانی درمورد محیط زیست معاف

میداند، همو نوشته است براساس آماری که سازمان سیا درسال ۲۰۰۶ منتشر ساخته تنها ۳۵ کشور از ۲۱۰ کشور درجهان هرکدام روزانه مقدار انرژی مصرفشان بیش از مصرف پینا گون است یعنی مصرف روزانه انرژی ۱۷۵ کشور دنیا از مصرف وزارت دفاع آمریکا کمتر است.

آمارهای منتشره در خبرگزاریها نشان میدهد که مردم آمریکا از حکومت خود و سیستم حاکم ناراضی میباشند که همین تظاهرات وال استریت نمونه کوچکی از آن است.

آقای میرفطوسی

آیا یک آمریکایی در بین جمعیت ۳۰۰ میلیون آن کشور یافت میشود که از دولت روسیه درخواست حمله نظامی به کشورش بکند تا این نارسانی ها و خسارات انسانی ادامه نیابد؟